

ظهور منجی، باور مشترك ادیان و مکاتب

مرضیه سادات حسینی^۱، مریم السادات موسوی^۲

چکیده

عقیده به ظهور منجی، عقیده‌ای مشترك در جهان و یکی از حساس‌ترین فزاهای عقیدتی ادیان و مذاهب و مکاتب و نیز از آرزوهای دیرین بشریت است. ادیان و مذاهب گوناگون از کسی که نجات‌دهنده بشریت است سخن به میان آورده‌اند اگرچه در برخی موارد با یکدیگر اختلاف نظر دارند، ولی ظهور او را نوید داده‌اند تا حدی که حتی شعاع آن در بین مکاتب و اقوام مختلف بشری نیز دیده می‌شود. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی تنظیم شده است، ظهور منجی را به‌عنوان باور مشترك ادیان و مکاتب بررسی می‌کند و به این نتیجه رسیده است که یهودیان با امید به ظهور ماشیح، روزگار می‌گذرانند. مسیحیان نیز بر این باورند که عاقبت عیسی علیه السلام به زمین باز خواهد گشت و آسایش و بهره‌مندی را به ارمغان خواهد آورد. در اسلام نیز عقیده به ظهور منجی بزرگ آسمانی به‌صورت گسترده‌ای عنوان شده است.

واژگان کلیدی: منجی، ادیان ابراهیمی، ادیان غیر ابراهیمی، مکاتب.

۱. مقدمه

عقیده به ظهور منجی بزرگ و برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان‌ها منحصر به مذهب خاصی نیست بلکه اعتقادی جهانی است که چهره‌های مختلف آن در مذاهب و مکاتب گوناگون دیده می‌شود و همه بیانگر این حقیقت است که این اعتقاد کهن ریشه در فطرت انسان دارد. وجه اشتراک این باورها این است که نجات‌دهنده به همه خوبی‌ها توصیف شده است و از بدی‌ها و زشتی‌ها به دور است. البته وجوه اختلافی نیز در تطبیق این ویژگی‌ها وجود دارد، اما بعضی دیگر با مقاصد شوم و تعصب‌های نابه‌جا فطرت خود را آلوده می‌کنند و راهی برای ورود حقیقت

۱. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه، افغانستان.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه، ایران.

به‌سوی خود باقی نمی‌گذارند. این افراد گاه با اهداف مختلف از جمله اهداف سیاسی و مغرضانه مسائل را تحلیل می‌کنند و از این طریق عده‌ای را نیز با شبهه‌افکنی از حقیقت دور می‌کنند. از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی در این زمینه ادعای تلاش برای ایجاد صلح، آرامش و عدالت را در جهان دارند تا به این وسیله سببی برای سامان دادن زندگی بشریت باشند، اما متأسفانه گذشت زمان نشان می‌دهد که اینها نه تنها مشکل بشر را حل نکرده‌اند بلکه باعث افزایش جرم و جنایت‌ها شده‌اند و از این رهگذر زمینه را برای انواع بیماری‌های روانی و عدم آرامش فراهم کرده‌اند. بنابراین، ضرورت دارد در زمینه ظهور منجی به عنوان عقیده مشترک بین ادیان و مکاتب تحقیقات گسترده‌ای صورت گیرد تا نه تنها به این باور اصیل و مشترک بین ادیان خدشه‌ای وارد نشود بلکه باعث هم‌گرایی ادیان و نیز هم‌افزایی در جهت زمینه‌سازی ظهور منجی شود.

در این زمینه تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است. تحقیق حاضر نیز در ادامه تحقیقات گذشته با نگاه جدیدی به مسئله از جهت چیدمان پژوهشی و بیان بیشترین دیدگاه با رعایت مختصرگویی مطرح شده است. این نکته نیز قابل ذکر است که مراد از ادیان، شریعت‌هاست، هم ابراهیمی و توحیدی و هم غیر ابراهیمی و غیر توحیدی. همچنین مراد از ادیان معنای عام آن است که شامل ادیان غیرالهی مانند مکاتب بشری نیز می‌شود. براساس این بیان، مراد از دین، مکتبی است که از مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی تشکیل شده است و هدف آن راهنمایی انسان برای سعادت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۴)

۲. منجی در ادیان ابراهیمی

در مطالعات تطبیقی ادیان می‌توان گفت که همه دین‌های ابراهیمی از سنت و دین حنیف ابراهیم علیه السلام الهام می‌گیرند. این ادیان از جهاتی با یکدیگر اشتراک دارند. برای مثال ادیان ابراهیمی همگی معتقد به وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند؛ یعنی معتقدند خداوند افرادی را انتخاب کرده و برای آنها پیغام‌هایی را به‌طور مستقیم یا به واسطه یک فرشته ارسال کرده است. از طرفی نیز پیروان ادیان ابراهیمی بر پیروزی حق بر باطل، حاکمیت حق و علم، عدالت اجتماعی، نجات بشر از ظلم و ستم و وراثت زمین به صالحان اعتقاد راسخ دارند. در یک کلام می‌توان گفت فلسفه تاریخ در ادیان ابراهیمی با اعتقاد به ظهور منجی معنی پیدا می‌کند. (عسگری، ۱۳۷۸، ۳/۳۴۳)

۱-۲. منجی در یهودیت

اعتقاد به منجی از ارکان عقیدتی یهود است. در منابع یهودی به تفصیل از ناجی و رهایی بخش قوم یهود به عنوان ماشیح صیدقنو یعنی، نجات بخش واقعی یاد شده است. (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲) در میان اسناد تاریخی و مدارک باستانی زیادی که از قوم‌های مختلف یهود در حفاری‌ها به دست آمده است پیش‌گویی‌ها و نویدهای فراوانی در مورد منجی آمده است و ابراز اشتیاق و نوید به انتظار او در این اسناد تاریخی به چشم می‌خورد (مهدی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳). بسیاری از بزرگان یهودی در این رابطه کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند. برای مثال موسی بن میمون معروف به هارامبام معتقد است هر فرد یهودی که به ماشیح اعتقاد نداشته باشد و یا چشم‌به‌راه آمدن او نباشد منکر سخنان حضرت موسی عليه السلام و سایر پیامبران بنی اسرائیل است؛ زیرا موضوع ماشیح به کرات در متون مقدس عنوان شده است (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۸۱). یهودی‌ها با تمام فرقه‌هایشان در انتظار ظهور مسیح موعود هستند که عدالت واقعی را در آخرالزمان در سرتاسر جهان برقرار کنند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۵۸). در جای جای کتب مقدس یهودیان به فرارسیدن وعده الهی و ظهور منجی اشاره شده است (کتاب مقدس، کتاب اشعیا نبی، باب ۱۱، بند ۱ تا ۱۰).

۳. متون مورد قبول امت یهود

۱-۳ سفر پیدایش

«خداوند به ابرام گفت از تو امتی عظیم پیدا کنم... و از تو جمیع قبائل جهان برکت خواهند یافت». (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۱۲، بند ۲-۳) «و فرشته خداوند باز به او (هاجر) گفت که ذریه تو را چنان بسیار نمایم که از بسیاری، شمردن نتوان. اینک تو حامله شده‌ای و پسری را خواهی زایید و اسمش را اسمعیل خواهی خواند» (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۱۶، بند ۱۰-۱۱).

۲-۳. مزامیر

«بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن، پس مسئلت دل تو را به تو خواهد داد. عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد و انصاف تو را مثل ظهر. نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش؛ زیرا که منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود» (کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، باب ۳۷، بند ۳-۱۰)، «اما متواضعان، وارث زمین شده بازوهای شیرین شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است. خداوند

روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد» (کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، باب ۳۷، بند ۱۲-۱۸). «شریران هلاک می‌شوند و دشمنان خداوند مثل دخان فانی خواهند گردید. آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند. خداوند انصاف را دوست می‌دارد و مقدسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابدالآباد و اما نسل شریر منقطع خواهد شد. صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود» (کتاب مقدس عهد قدیم، مزامیر، باب ۳۷، بند ۲۰-۳۰). «به خداوند پناه برده راهش را نگاه‌دار که تو را به وراثت زمین بلند خواهد کرد» (کتاب مقدس عهد قدیم، مزامیر، باب ۳۷، بند ۳۴).

۳-۳. کتاب دانیال

«در رؤیاهای شبانه نگریستم و اینک در ابرهای آسمانی، شخصی مانند فرزند انسان می‌آمد و به او سلطنت و عظمت و مملکت داده شد تا آنکه تمام قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنتش سلطنت ابدی است که در نگذرد و مملکتش فانی نخواهد گردید» (کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب دانیال، باب ۷، بند ۱۳-۱۴)، «اما مقدسان حضرت اعلی سلطنت را خواهند یافت و مملکت را تا به ابد و ابدالآباد متصرف خواهند بود» (کتاب مقدس عهد قدیم، کتاب دانیال، باب ۷، بند ۱۸).

۴. منجی در مسیحیت

دین مسیحیت در واقع به دنبال دین یهودیت است و به عبارتی خاستگاه مسیحیت، یهودیت است. از منابع مورد قبول این دین، عهد عتیق است و این همان کتاب مقدس یهودیان است. (سلیمیان، ۱۳۸۸، ص ۴۲۸) علاوه بر آنچه در متون یهودی اشاره شد در عهد جدید نیز بشارت‌های بیشتر و روشن‌تری درباره منجی آخرالزمان آمده است. مسیحی از همه گروه‌هایش در انتظار بازگشت مسیح پاك است که شالوده عدالت را در آخرالزمان در سرتاسر گیتی استوار کند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

۵. کتب مقدس مسیحیان درباره ظهور منجی

۵-۱. انجیل متی

«و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آنها را از یکدیگر جدا خواهد کرد چنان که شبانی میش‌ها را از بزها جدا کند». (کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۵، بند ۳۱-۳۳)

۵-۲. انجیل لوقا

«پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ‌های شما و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می‌کشند آقای خود را که کی از عروسی بازآید که چون آید و در زند، دفعتاً در را گشایند. خوشا به حال آن نوکران که چون آقا آید بیدار یابد آنها را و من به شما می‌گویم که به درستی کمر خود را بسته آنها را نشانید و نزدشان آمده آنان را خدمت خواهد نمود». (کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۱۲، بند ۳۵-۳۷)

۵-۳. انجیل مرقس

«و بر حقیقت آن روز و آن ساعت -سوای پدر- نه ملائکه آسمان و نه فرزند، هیچ کس مطلع نیست. احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید چنانچه شخصی به سفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیداربودن امر فرموده است، پس بیدار باشید از آنجا که نمی‌دانید بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد. در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح. مبادا که ناگاه آمده شما را در خواب یابد و آنچه من به شما می‌گویم به همه می‌گویم، بیدار باشید». (کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس، باب ۱۳، بند ۳۲-۳۷، به نقل از سلیمیان، ۱۳۸۸، ۴۷۷) بنابراین، مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان برای تحقق وعده‌های انبیای الهی و مژده‌های کتب آسمانی باز خواهد گشت و جهان در پرتو حکومت او آکنده از صلح و صفا و محبت و عدالت خواهد شد.

۶. منجی در اسلام

در اسلام دو خاستگاه کلی در مورد منجی وجود دارد: یکی منجی‌گرایی در میان اهل سنت و دیگری منجی‌گرایی در میان شیعیان. البته مسلمانان با وجود مذاهب مختلف در انتظار ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که حکومت عدل واقعی را در آخرالزمان در سراسر جهان از کران تا کران بنیان نهند. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

۷. منجی در مذهب اهل تسنن

باور به منجی نزد بزرگان اهل سنت نیز یکی از ضروریات دین مبین اسلام است و منکر آن از آیین اسلام بیرون است. در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: «من کذب بالمهدی فقد کفر؛ هر کس مهدی عجل الله تعالی فرجه را انکار کند به راستی کافر است». (قاضی مرعشی، ۱۴۰۹، ۳۱۸/۲۹) در جای دیگری از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ هر که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه را انکار کند به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده کفر ورزیده است» (قاضی مرعشی، ۱۴۰۹، ۲۱۳/۱۳). یکی از کهن ترین و معتبرترین مدرک حدیث اهل سنت کتاب مسند احمدین حنبل است. در این کتاب مجموعاً ۱۳۶ حدیث درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه روایت شده است. پس از او محمد بن اسماعیل بخاری با همه تعصبی که نسبت به امامان اهل بیت علیهم السلام داشته است در کتاب الاحکام احادیث دوازده جانشین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را که همگی از قریش خواهند بود و عزت و سربلندی اسلام به وجود آنها بستگی خواهد داشت را نقل کرده است.

در همان عصر، مسلم بن حجاج نیشابوری متوفای سال ۲۶۱ هجری با اینکه مانند بخاری اصرار دارد که نامی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نبرد در کتاب الفتن و اشراف الساعه و باب نزول عیسی علیه السلام از کتاب صحیح خود که دومین کتاب صحاح اهل سنت است قسمتی از روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را نقل کرده است. بعد از او ابن ماجه قزوینی در کتاب سنن خود که آن نیز یکی از کتب صحاح اهل سنت است احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را در بخش مخصوصی به نام باب خروج المهدی عجل الله تعالی فرجه آورده است. ابوداود سجستانی نیز در کتاب سنن خود که از کتب صحاح سته است روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را در بخشی از آن کتاب به عنوان کتاب المهدی عجل الله تعالی فرجه بیان کرده است. محمد بن عیسی ترمذی در کتاب سنن خود که از کتب صحاح است در کتاب الفتن باب ما جاء فی المهدی روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را روایت کرده است. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۱) آنچه از مجموع منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که مسئله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مورد اتفاق و اجماع آنهاست که این خود نشانه اهمیت مسئله مهدویت در نزدشان است. اعتقاد به منجی در میان

مذاهب چهارگانه اهل تسنن هم که شامل حنفیان، مالکیان، شافعیان و حنبلیان است به وضوح قابل مشاهده است (مهدی پور، ۱۳۸۸ ص ۱۵۹). این اتفاق نظر به حدی است که تندروترین گروه‌های اهل سنت یعنی، وهابیان نیز این موضوع را پذیرفته‌اند و از آن به طور جدی دفاع می‌کنند و آن را از عقاید مسلم اسلامی می‌دانند (کارگر، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

۸. منجی در مذهب شیعه اثنی عشری

از نظر شیعه مسئله مهدویت و نوید ظهور آن مصلح الهی یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام و ریشه‌دار است. پیشینه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران شخص نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برمی‌گردد. (اعراف: ۱۲۸) بدون تردید آیات نورانی قرآن کریم درباره این ظهور و قیام مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر بدون اینکه وارد جزئیات شود به صورت اصولی و کلی بحث کرده و از تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی کامل بندگان شایسته در روی زمین سخن گفته است. مفسران بزرگ شیعه به استناد سخنان نورانی معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و دانشوران بزرگ اسلامی این گونه آیات را مربوط به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و ظهور و قیام جهانی آن حضرت دانسته‌اند. از مجموع آیات قرآنی که ناظر به این موضوع است و صراحت بیشتری در این زمینه دارد، می‌توان چند مورد زیر را ذکر کرد:

«لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که وارث زمین، بندگان صالح من خواهند شد». (انبیاء: ۱۰۵) الارض به مجموع کره زمین گفته می‌شود مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد. ارث یعنی، آنچه بدون معامله و دادوستد به کسی انتقال می‌یابد. در قرآن کریم گاهی به معنای تسلط و پیروزی قوم صالح بر قوم ناصالح و در اختیار گرفتن موهبت‌ها و امکانات آنها گفته شده است (ارفع، ۱۳۸۱، ۳۳۱/۱). با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا ایمان و توحید آنان روشن می‌شود. از طرفی با توجه به کلمه صالحون همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید. شایستگی‌هایی مانند عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت و تدبیر و نظم و درک اجتماعی. هنگامی که بندگان با ایمان این شایستگی‌ها را برای خود فراهم کنند خداوند نیز یاری می‌کند تا آنان بر مستکبران غلبه یابند و دست‌های آلوده‌شان را از حکومت بر روی زمین کوتاه کنند و وارثان زمین شوند. بنابراین، وجود ایمان و کسب شایستگی‌ها دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین است بلکه

مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند به حکومت روی زمین نخواهند رسید. خداوند در این آیه به یکی از روشن‌ترین پاداش‌های دنیوی صالحان که حکومت روی زمین است اشاره کرده است. آنچه به دست می‌آید این است که نظام آفرینش دلیل روشنی بر پذیرش يك نظام صحیح اجتماعی در آینده جهان انسانیت خواهد بود و این همان چیزی است که از آیه مورد بحث و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی استفاده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳/۵۲۴-۵۱۵)

علامه طباطبایی پس از طرح دیدگاه‌های گوناگون درباره انواع وراثت می‌نویسد: «وراثت در این آیه یکی از دو وراثت‌های دنیایی و آخرتی نیست بلکه هر دو را شامل می‌شود. مفسرینی که آن را به وراثت آخرتی اختصاص داده‌اند و گفته‌اند: همین معنا مقصود است؛ زیرا پس از اعاده دیگر زمینی نیست تا صالحان آن را ارث ببرند حرف درستی زنده‌اند چون مشخص نیست که آیه مورد بحث عطف بر آیه قبلی‌اش باشد که متعرض مسئله اعاده است و نتیجه بگیرید، پس از اعاده دیگر زمینی باقی نمی‌ماند. آن مفسرینی هم که آیه را به وراثت دنیایی اختصاص داده حمل نموده‌اند بر دوره ظهور اسلام و یا دوران مهدی عجله الله تعالی فرجه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اخبار متواتره از آن خبر داده است و شیعه و سنی آنها را نقل کرده‌اند، پس این مفسرین نیز راه درستی نرفته‌اند؛ زیرا روایات مذکور هر چند متواتر و مسلم است، اما آیه را تخصیص نمی‌زند. بنابراین، آیه شریفه مطلق است و شامل هر دو وراثت می‌شود. چیزی که هست از نگاه سیاق آنچه که عقل و اعتبار اقتضا می‌کند این است که آیه شریفه عطف بر همان جمله «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ» باشد چون آن آیه به تفصیل حال اهل اختلاف از نگاه پاداش آخرتی اشاره می‌کند و این آیه به تفصیل حال آنان از نگاه پاداش دنیایی اشاره می‌کند و در نتیجه حاصل کلام این می‌شود که ما بشر را به سوی دینی واحد دعوت کردیم، ولی ایشان دین را قطعه‌قطعه کرده در آن اختلاف کردند و مجازاتشان هم گوناگون شد، اما در آخرت آنهایی که ایمان آوردند سعیشان مشکور و عملشان مکتوب شد، اما در دنیا آنها که ایمان آوردند زمین را به وراثت مالک شدند به خلاف دیگران». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴/۳۲۰-۳۳۰)

صاحب تفسیر المیزان بر این باور است که این آیه درباره ائمه اهل بیت علیهم السلام است و روایات بسیاری از طریق شیعه رسیده است و از این روایت برمی‌آید که همه روایات این باب از قبیل جری و تطبیق، مصداق بر کلی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴/۳۲۰-۳۳۰) در تفسیر مجمع البیان نیز

پس از ذکر روایاتی چند در ذیل آیه شریفه آن را مربوط به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰۶/۷).

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و ما اراده کردیم که بر آن مردم ضعیف شده در روی زمین منت گذاریم و آنان را رهبران مردم کرده و وارثانشان نماییم». (قصص: ۵) در این آیه يك اصل مهم مطرح شده است و آن اینکه اراده خداوند بر آن تعلق گرفته است که ستمگران ریشه کن شوند و بندگان شایسته خداوند وارثان و حاکمان زمین شوند. این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر نویدی است برای همه انسان‌های آزاده و آزادی جو و کسانی که خواهان حکومت عدل و داد هستند. این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد. بنابراین، در روایات اسلامی آمده است که ائمه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده‌اند (ر.ک.، طوسی، بی تا، ۱۲۹/۸). (ارفع، ۱۳۸۱، ۳۸۵/۱)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که در روی زمین جانشینشان کند همان طور که پیشینیان را نیز جانشین کرد و دینشان را که برای آنها پسندیده، مستقر سازد و بعد از نگرانی‌ها ترس آنان را به امنیت مبدل خواهد کرد. مرا بندگی کنید، هیچ چیز را شریک من قرار ندهید و اگر کسی بعد از این کافر شود از گروه فاسقین است». (نور: ۵۵) این آیه به صورت مؤکد می‌گوید خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را به طور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است به طور ریشه‌دار و پابرجا در صفحه زمین مستقر سازد و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد. (ارفع، ۱۳۸۱، ص ۳۵۷)

خداوند به گروهی از مسلمانان که دو ویژگی ایمان و عمل صالح دارند سه نوید داده است: یکی استخلاف و حکومت روی زمین، دیگری نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا و سوم از میان رفتن تمام اسباب ترس، وحشت و ناامنی به طوری که با نهایت آزادی خدا را بپرستند و فرمان‌های او را گردن نهند، هیچ شریک برای او قائل نشوند و یگانه پرستی خالص را در همه جا

بگسترانند. در آیه آمده است که خدا وعده حکومت روی زمین و تمکین دین و امنیت کامل را به گروهی که ایمان دارند و اعمالشان صالح است داده، اما در اینکه منظور از این گروه از نگاه مصداقی چه اشخاصی هستند در میان مفسران گفت‌وگو است. بعضی آن را مخصوص صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته‌اند که با پیروزی اسلام در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صاحب حکومت در زمین شدند (البته منظور از ارض تمام روی زمین نیست بلکه مفهومی است که بر جزء و کل صدق می‌کند). بعضی مفهوم آن را چنان گسترده دانسته‌اند که این وعده را شامل تمام مسلمانانی که این صفت را دارند، می‌دانند و گروهی آن را اشاره به حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند که شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می‌گیرد، آیین حق در همه جا نفوذ می‌کند، ناامنی و ترس و جنگ از روی زمین برچیده می‌شود و بندگی بدون شرك برای جهانیان تحقق می‌یابد.

بدون شك آیه شامل مسلمانان نخستین می‌شود و بدون شك حکومت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام که براساس عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و سنی، سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه ستم و جور همه‌جا را گرفته باشد مصداق کامل این آیه است، ولی با این حال مانع از گسترش مفهوم آیه نخواهد بود. همچنین شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای مسلمانان (هرچند در اواخر عمر آن حضرت) به‌دست آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۳۰/۱۴-۵۳۲) علامه طباطبایی معتقد است که این جامعه طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث به رسالت شده است تاکنون چنین جامعه‌ای به خود ندیده است، پس اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵۵/۱۵-۱۵۴). به اعتقاد شیعه علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده است و بزرگان دینی آنها را به وجود مقدس مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر و تأویل کرده‌اند صدها حدیث معتبر و متواتر از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جانشینان آن حضرت صادر شده است که در آنها تمام صفات، خصوصیات و جزئیات زندگی آن منتظر موعود و اینکه پس از تولد دو بار غیبت خواهد داشت و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد و با تشکیل حکومت واحد جهانی، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، بیان شده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «من أنكر القائم من ولدي فقد أنكرني؛ هرکس که حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام از فرزندان مرا انکار کند به‌راستی که مرا انکار کرده است». ایشان در حدیث دیگری

می‌فرماید: «من أنكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة جاهلية؛ هرکس که مهدی قائم علیه السلام از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است». همچنین فرمود: «من أطاعه أطاعني و من عصاه عصاني و من أنكره في غيبته فقد أنكرني و من كذبه فقد كذبنى و من صدقه فقد صدقني؛ آن کس که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است و آن کس که با او مخالفت ورزد با من مخالفت ورزیده است و آن کس که در دوران غیبتش او را انکار کند مرا انکار کرده است و آن کس که او را تکذیب نماید مرا تکذیب نموده است و آن کس که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۳/۵۱)

«لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منا و ذلك حين يأذن الله عز و جل له و من تبعه نجا، و من تخلف عنه هلك، الله الله عباد الله! فاتوه و لو على الثلج، فإنه خليفة الله عز و جل و خليفتي؛ قیامت برپا نمی‌شود تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند و این هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش دهد، کسی که از او پیروی کند نجات می‌یابد و کسی که از او تخلف کند، هلاک می‌شود. از خدا بترسید ای بندگان خدا، هر کجا باشید او را دریابید اگرچه مجبور شوید بر روی برف حرکت کنید که او خلیفه خدای تبارک و تعالی و جانشین من است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۴۴) امام علی علیه السلام نیز از خالی نبودن زمین از حجت خدا بر زمین خبر داده است آنجا که می‌فرماید: «لا تخلو الأرض من قائم لله بحجة، إماما ظاهرا مشهورا و إماما خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بیناته؛ زمین هرگز از وجود قائمی که برای خدا قیام کند و حجت حق را برپا دارد، خالی نخواهد بود که یا ظاهر و آشکار است و یا ترسان و نهان تا حجت‌ها و دلایل روشن حضرت پروردگار باطل نشود» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶/۴). در روایت دیگری از امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است: «إن الأئمة منا و إن الخلافة لا تصلح إلا فينا و إن الله جعلنا أهلها في كتابه و سنة نبیه؛ امامان - دوازده گانه - از ما هستند و خلافت جز برای ما شایسته نیست و خدای تعالی ما را در کتاب خود و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل خلافت قرار داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۰/۴۴).

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدي، و هو صاحب الغيبة، و هو الذي يقسم ميراثه و هو حي؛ قائم این امت، نهمین فرزند من است. اوست که از دیده‌ها غایب می‌شود و درحالی که زنده است میراثش تقسیم می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۳/۵۱) شیعیان براساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود علیه السلام سری از اسرار حق و رازی از رازهای

نهفته خداوند است. ایشان آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است و بعد از مدت زمانی طولانی ظهور می‌کند و او حجه‌الله، خلیفه‌الله و بقیه‌الله است. مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌ه از نسل پاک پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از علی علیه‌السلام و زهرا علیها‌السلام و نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه‌السلام است. ایشان فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه‌السلام است. شیعیان دوازده امامی معتقدند که حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه همانام و هم‌کنیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، هم‌اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اذن ظهورش دهد، قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. از دیگر باورهای شیعیان این است که با ظهور مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌ه هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی‌ماند بلکه همه حکومت‌های مقتدر زمان یکی پس از دیگری از بین می‌روند، مرزهای جغرافیایی بین کشورها برداشته می‌شود، مظاهر شرک، کفر، الحاد و بی‌عدالتی از بین می‌رود، عدالت اجتماعی به وجود می‌آید، هر حقی به صاحب حقش می‌رسد، همه در رفاه و آسایش زندگی می‌کنند و در سرتاسر جهان هستی، تنها یک نظام حکومت می‌کند که آن هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات‌بخش آسمانی قرآن کریم است.

۸-۱. منجی در فرقه‌های شیعه

زیدیه از فرقه‌های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی علیه‌السلام هستند. ایشان به روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تمسک کرده‌اند که فرمود: «مهدی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام است و او با شمشیر به پا می‌خیزد و مادرش بهترین کنیزان خواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۶)، پس زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه‌السلام قیام خود را علیه امویان آغاز کرد، گفتند چون او از نسل امام حسین علیه‌السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌ه است (سلیمان، ۱۳۸۷، ۱۰۵/۱).

۸-۲. منجی در صوفیه

صوفی‌ها فرقه‌ای از شیعیان هستند. متقدمین در صوفیه بحثی در مورد منجی نداشته‌اند بلکه در مورد ریاضت، و مجاهده و... صحبت می‌کردند و بعد از مدتی عقیده به امام معصوم پیدا کردند. (شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ۴۳/۱) بحث مهدویت به صورت موضوعی مستقل، چندان در آثار صوفیه مطرح نشده است. این آموزه در تصوف را باید ذیل بحث ولایت و ختم ولایت جست‌وجو کرد. در آثار مکتوب عرفانی قرون نخستین تصوف یعنی، قرن دوم تا پنجم هجری اصطلاحاتی

مانند قائم، موعود، منجی، حجت مصلح و... زیر سایه بحث ختم ولایت معنا می‌یابد. حکیم ترمذی نخستین صوفی است که با نگارش کتاب ختم‌الولایه در دوران غیبت صغری درباره ختم ولایت سخن گفته است (اسفندیار، رحمان، ۱۳۹۱، ص ۲-۳). بنابراین، می‌توان گفت که صوفیان معاصر بیشتر به ظهور مردی که احکام ملت و رسوم حق و عدالت را تازه کند، اشاره می‌کنند و ظهور او را نزدیک می‌دانند. بعضی از آنها می‌گویند او از اولاد فاطمه علیها السلام است و بعضی مطلق تعبیر می‌کنند (شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ۴۸/۱).

۳-۸. منجی در اسماعیلیه

در ذکر منجی در اسماعیلیه هم در کتاب شیخ صدوق آمده است: «طایفه اسماعیلیه هم از طوایف شیعه پدید آمد و منتظر آمدن امامی هستند که موت او قطعی است». (شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ۴۴/۱)

۴-۸. منجی در کیسانیه

فرقه کیسانیه یکی از فرقه‌های تشیع خالی از ذکر و باور به منجی نبوده است. شیخ صدوق در این باب هم در کتاب نفیس خود می‌گوید: «کیسانیه نیز شاخه‌ای از شاخه‌های شیعه است که محمدبن حنیفه را امام غائب می‌دانند و منتظر ظهور او هستند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ۴۴/۱).

۵-۸. منجی در واقفیه

شیخ صدوق با ذکر فرقه واقفیه به عنوان فرقه‌ای از فرقه‌های شیعه در باور ایشان به وجود منجی فرمود: «واقفیه هم باز شاخه دیگری از شیعه هستند و بر امام جعفر صادق علیه السلام یا امام موسی کاظم علیه السلام معتقدند و آنها را امام غائب موعود می‌دانند و منتظر ظهور آنها هستند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ۴۴/۱). باور به منجی در فرق شیعه باور به حقیقتی است که در آینده زمین ظهور خواهد کرد، اما آنچه ذکر شد در ادیان ابراهیمی بود.

۹. باور به منجی در ادیان غیر ابراهیمی

۱-۹. هندوئیسم

در لابه‌لای کتبی که از روزگار گذشته در میان هندوها به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده است نویدهای بسیاری پیرامون مصلح آسمانی با صراحت و شفافیت کامل دیده می‌شود. در کتاب ماللهند از کتاب‌های مقدس هندوها آمده است: «در اواخر دوره چهارم، اهل زمین به فساد

کشیده شده و اکثر آنها کافر می‌شوند. آنان معصیت‌های بزرگ را انجام داده و حاکم آنها افراد پست خواهد بود. مردم در آن روز به گرگ‌ها شبیه هستند که همدیگر را می‌درند و غارت می‌کنند. کاهنان و مردان دین فاسد می‌شوند و حق با دزدان می‌شود و افراد باتقوا و زاهد را تحقیر می‌کنند. در آن زمان، برهمن کلایعنی، مردی شجاع و دین‌دار ظهور می‌کند و زمین را با شمشیر برنده‌اش از مفسدین و پلیدی‌ها پاک کرده و افراد پاک و طاهر را حفظ خواهد کرد» (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).

در کتاب شاکمونی آمده است: «حکومت و دولت جهانی به‌دست مردی از ذریه سید خلائق عالمیان، کشن بزرگ ختم خواهد شد. او کسی است که بر کوه‌های شرق و غرب عالم حکومت خواهد کرد و تمام ادیان الهی یک دین خواهد شد. او که اسمش قائم و عارف بالله است دین خدا را احیا خواهد نمود». (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷) در کتاب وشن جوك از کتاب‌های هندوها آمده است: «و در آخرالزمان زمین به‌دست مردی خواهد افتاد که خداوند متعال را دوست دارد و او از خواص بندگان خداست. نام او فرخنده و خجسته است (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). در کتاب باسک از کتاب‌های هندوها آمده است: «دوره آخرالزمان به حکومت حاکم عادل ختم خواهد شد که رهبر ملائکه و جن و انس است، حق با اوست. او بر دریا و خشکی و کوه‌ها سیطره پیدا می‌کند و از آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خبر می‌دهد و کسی بزرگ‌تر از او متولد نشده است» (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). در کتاب اُپانیشاد آمده است: «این مظهر (ویشنو) در آخرالزمان ظهور می‌کند در حالی که بر اسبی سفید سوار و به‌دست او شمشیری برهنه است و به مانده ستاره دنباله‌دار می‌درخشد و همه افراد پست را به هلاکت می‌رساند و زندگی نوینی را برپا کرده و طهارت و پاکی را برمی‌گرداند» (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷؛ مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

۲-۹. برهما

در آیین‌های بودا نیز مانند دیگر ادیان و آیین‌ها سخن از نجات‌دهنده و موعود آمده است. مؤسس آیین بودا شخصی به نام سدهار تاجوتوما معروف به بوداست. او در نیپال متولد شد و بودایی‌ها او را فرزند خدا می‌دانند و معتقدند که در آخرالزمان یک بودی ظهور می‌کند و بشریت را از ظلم و ستم و گرفتاری‌ها نجات خواهد داد. آنان می‌گویند بودا با کامل کردن وظیفه خود با

جسدش به آسمان رفته است و بار دیگر به زمین بازمی‌گردد تا صلح و برکت را به مردم بازگرداند.
(رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

۹-۳. زرتشت

در آیین زرتشت نیز سخن از منجی به میان آمده است. اندیشه رسیدن به حق و وصول به پیروزی نهایی و جهانی که در آن خواسته‌های انسان‌ها برآورده شود نزد زرتشتیان به‌وفور دیده می‌شود. در کتاب معروف زرتشتیان به نام زند آمده است: «در این هنگام فتح و پیروزی و نصرت از ناحیه ایزدان واقع می‌شود و بعد از نصرت و یاری ایزدان و نابودی نسل اهریمنان عالم به سعادت اصلی خود می‌رسد و فرزندان آدم بر کرسی سعادت و برکت خواهند نشست» (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). جاماسب در کتاب جاماسبنامه از زرتشت نقل کرده است که فرمود: «خروج می‌کند مردی از سرزمین تازیان از ذریه هاشم. مردی با سری بزرگ، جسمی عظیم، ساقی بلند، بر دین جدش، همراه با لشکری بسیار به ایران روی می‌آورد و زمین را آباد می‌کند و نیز آن را پر از عدل و داد خواهد کرد» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵). او بعد از بشارت به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید: «و از ذریه دختر آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به خورشید عالم و شاه زمان معروف است، مردی به خلافت خواهد رسید که در دنیا به حکم ایزدان حکم خواهد نمود. او آخرین خلیفه آن پیامبر در وسط عالم یعنی، مکه است و دولتش تا روز قیامت دوام خواهد داشت» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵). در کتاب زند بهمن یسن آمده است: «سوشیانس آخرین کسی است که می‌آید و زردشت را در عالم نجات خواهد داد» (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹).

۱۰. منجی در مکاتب دیگر

علاوه بر آنچه پیرامون موعود در ادیان و مذاهب و فرق آن بیان شد، می‌توان به اقوام و مکاتب مختلف جهان نیز مراجعه کرد که هر کدام معتقد به منجی و موعود هستند. از جمله این اقوام می‌توان به ایرانیان باستان، نژاد اسلاو، نژاد ژرمن، اهالی صربستان، برهمنیان، ساکنان جزایر انگلستان، ملل مختلف هند، آسن‌ها، شلت‌ها، اقوام اسکاندیناوی، یونانیان، اقوام اروپای مرکزی، چینی‌ها، اقوام آمریکای مرکزی، گروه‌هایی از مصر باستان و قبای ای‌پوور و... اشاره کرد. (سلیمیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴) آنچه از ادیان و مذاهب گوناگون نقل شد فقط برای اثبات این نکته است که تمام ملل و اقوام دنیا به‌نوعی منتظر موعودی هستند و همه از يك حقیقت مسلم

حکایت می‌کنند، اینکه بشارت مصلح بزرگ جهانی به گوش آنها رسیده است و عقیده به ظهور منجی در آخرالزمان در اعماق وجودشان جای گرفته است. البته ممکن است آنچه در کتابها ذکر شده است درباره تمام بشارتها و نویدها برای تطبیق دادن امری مشکل باشد؛ زیرا هر یک برای خود استدلالها و براهینی خاص به خود را اقامه کرده‌اند، ولی با این وجود در خلال بررسی به خوبی مشخص می‌شود که بسیاری از این بشارتها و نویدها با آنچه در اسلام آمده است، مطابق است. بنابراین، نیک است هر چند مختصر به نقاط اشتراک و افتراق منجی در ادیان و اقوام مختلف اشاره شود.

۱.۱. نقاط افتراق و اشتراک منجی در ادیان و مکاتب

- ادیان و مکاتب و اقوام جهانی چه توحیدی چه غیر توحیدی، همه و همه در انتظار مصلح و موعود جهانی هستند. مصلح هر دین، زمین را از عدل پر خواهد کرد اگرچه از جور و ستم پر شده باشد.

- از لحاظ نسب، بسیاری از یهودیان، نجات‌دهنده را از نسل حضرت داوود علیه السلام می‌دانند؛ زیرا اختلاف اقوال در این زمینه دیده می‌شود. مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام از طرف مادرش حضرت مریم علیها السلام نسب شریفش به حضرت داوود علیه السلام می‌رسد. مسلمانان علاوه بر این معتقدند ایشان از فرزندان فاطمه علیها السلام است. (تاجری نسب، ۱۳۸۷، ۱/۱۶۱) زرتشت او را او برگزیده‌ای از نسل زرتشت که مأمور است دین او را به کمال برساند، می‌دانند (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲).

- مسلمانان اسم مصلح جهانی را م ح م د، یهودیان آن را ماشیح، مسیحیان به نام حضرت عیسی علیه السلام، زرتشتیان به نام سوشیانت می‌دانند.

- شیعیان و مسیحیان، منجی را موجود و زنده می‌دانند. مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام مدتی پس از آنکه به صلیب آویخته شد، زنده شد و هم‌اکنون در قید حیات است. برخلاف برخی از قوم یهود (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۰۳) و برخی از اهل تسنن (حیدری، ۱۳۸۲، ص ۹۱) و نیز زرتشتیان (شاکری زواردهی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱) ایرانیان باستان معتقد بودند که گرزاسپه، قهرمان تاریخی آنها زنده است و در کابل زندگی می‌کند و صدهزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح کند (مهدی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹). شیعیان اعتقاد راسخ دارند که موعود جهانی و مصلح آسمانی، شب نیمه شعبان ۲۵۵ دیده به

جهان گشوده و هم‌اکنون زنده است و در انتظار فرارسیدن فرمان حق تعالی است که پرده غیبت را کنار زند و چهره پرفروغ و عالم‌آرای خود را ظاهر کند.

- مسلمانان نیز مانند مسیحیان بر نزول حضرت عیسی علیه السلام اعتقاد قطعی دارند جز اینکه مسیحیان او را نجات‌بخش و مسلمانان او را یار و یاور منجی می‌دانند (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۰۳)، ولی از آن‌جا که یهودیان به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، موعود آنها هنوز ظهور نکرده است (سلیمیان، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

- مسلمانان به هدایت قرآن و شهادت سنت باور دارند که حضرت مسیح علیه السلام برخلاف گمان پیروانش، مصلوب و مقتول نشده است بلکه یهودیان به اشتباه، دیگری را به جای ایشان کشته‌اند، ولی عموم یهودیان بنابر متون و منابع مقبول و مقدس خویش بر این باورند که پیامبرشان حضرت مسیح علیه السلام در پی خیانت یکی از حواریون خویش با فتوای کاهنان یهودی و به‌دست دشمنان رومی به صلیب کشیده شد، اما سه روز پس از خاک‌سپاری از مرقد خویش برخاست و تا چهل روز گه‌گاه بر کسانی از شاگردان باایمان خویش ظاهر می‌گشت و آنان را دلداری می‌داد و راهنمایی می‌کرد آن‌گاه در برابر دیدگان حیران ایشان به آسمان صعود کرد. مسیحیان نیز معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان برای تحقق وعده‌های انبیای الهی و مژده‌های کتب آسمانی باز خواهد گشت و جهان در پرتو حکومت او آکنده از صلح و صفا و محبت و عدالت خواهد شد. (تاجری‌نسب، ۱۳۸۷، ۱۸۹/۱)

- بسیاری از ادیان و اقوام به تعیین روز و ساعت ظهور اعتقاد ندارند.

- حضرت عیسی علیه السلام تأکید می‌کند که نشانه ظهور در خورشید و ماه ظاهر می‌شود. در احادیث اسلامی نیز تأکید شده است که نشانه ظهور در قرص خورشید ظاهر می‌شود. (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۰۳) در تعالیم زرتشت هم در میان نشانه‌های ظهور، بیش از همه بر نشانه‌هایی که در خورشید و ماه و آسمان ظاهر می‌شود، تکیه شده است. (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹)

- حضرت عیسی علیه السلام برای درک حضور و رهایی از شرور توصیه می‌کند که همواره به دعا و نیایش بپردازند. در احادیث نیز در این رابطه سفارش شده است. (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۰۳) البته اکثر ادیان توحیدی نیز به این مسئله معتقدند.

- در انجیل و نیز در احادیث اسلامی از حکومت بسیار طولانی موعود سخن به میان آمده است.

- حضرت عیسی علیه السلام از وقوع زلزله‌ها، قحطی‌ها، جنگ‌ها و اغتشاش‌ها در آستانه ظهور خبر می‌دهد و این مطلب در صدها حدیث مربوط به علائم ظهور آمده است. (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۰۳) در بسیاری از ادیان و اقوام نیز صحبت از صلح بعد از ظلم، ستم و جنگ و خون‌ریزی است.

- حضرت عیسی علیه السلام تأکید می‌کند که پسر انسان سوار بر ابر با شوکت و احتشام خاصی می‌آید. در احادیث اسلامی حتی در مورد شماری از یاران خاص آن حضرت تأکید شده است که در روز روشن و در معرض دید همگان سوار بر ابر از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شود.

- حضرت عیسی علیه السلام در ده‌ها مورد بر انتظار فرج، کیفیت انتظار، نقش انتظار و سختی آن گفت‌وگو کرده است همان‌طور که در احادیث اسلامی نیز در صدها حدیث از انتظار فرج، نقش انتظار، پاداش انتظار، اوصاف منتظران و از دیگر ویژگی‌های آن سخن به میان آمده است. (مهدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۰۳)

- مسلمانان معتقدند از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. در یهودیت و مسیحیت نیز اعتقاد به تشکیل حکومت وجود دارد. (یدالله‌پور، خرمی و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۶) در آیین هندوها نیز سخن از تشکیل حکومت است، ولی در برخی ادیان و اقوام سخنی از تشکیل حکومت نیست بلکه در حد نجات مردم از ظلم و ستم سخن به میان آمده است مثل آیین زردتشت و برهما و... .

۱۲. نتیجه‌گیری

عقیده به ظهور منجی موعود و آسمانی از مسائل قدیم ادیان و مذاهب مختلف است و دامنه آن به حدی است که حتی شعاع آن در بین اقوام و مکاتب نیز قابل رؤیت است، پس می‌توان دریافت که این مسئله مهم، عقیده اصیل دینی و مذهبی و تمایلی درونی است که در فطرت بشر جا دارد. هر زمان که بشریت بر اثر ظلم و ستم به ستوه آیند و راه نجات دیگری نیابند انتظار ظهور آن یگانه مصلح الهی را در دلشان، نوری برای نجات خواهند یافت. از این‌رو، ادیان و مذاهب مختلف به این میل باطنی و خواسته درونی توجه خاصی دارند و ظهور یک رهبر الهی و منجی آسمانی را در پایان جهان در کتب مختلف ذکر کرده است و نوید آن را به پیروان خود داده‌اند. این منجی موعود در یهودیت،

ماشیح، در مسیحیت، حضرت مسیح و در اسلام حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه نام برده شده‌اند. در هر یک از ادیان غیر توحیدی و اقوام و مکاتب دیگر نیز به رهبری مصلح در آینده جهان اعتقاد دارند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: ارفع، کاظم، تهران: فیض کاشانی.
۱. اسفندیار، محمودرضا، و رحمان، فائزه (۱۳۹۱). نگاهی گذرا به سیر تاریخی مهدویت در تصوف. نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۲۸ (۸)، ۱۸-۱.
 ۲. تاجری‌نسب، غلامحسین (۱۳۸۷). فرجام‌شناسی حیات انسان. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). انتظار بشر از دین. بی‌جا: بی‌نا.
 ۴. حیدری، عزیزالله (۱۳۸۲). مهدی عجله الله تعالی فرجه تجسم امید و نجات. قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۵. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶). منجی از دیدگاه ادیان. قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۸). موعودشناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۷. سلیمیان، خدا مراد (۱۳۸۵). پرسمان مهدویت. قم: شبان‌الجنه.
 ۸. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۷). درسنامه مهدویت. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه.
 ۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸). فرهنگ‌نامه مهدویت. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه.
 ۱۰. شاکری زواردهی، روح‌الله (۱۳۸۸). منجی در ادیان. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه.
 ۱۱. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۴). کمال‌الدین و تمام‌النعمة. مترجم: کمره‌ای، محمد باقر. تهران: انتشارات اسلامی.
 ۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی، محمد باقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۳. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
 ۱۴. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و محقق: احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۵. عسگری، سید مرتضی (۱۳۷۸). عقاید اسلام در قرآن کریم. مترجم: کرمی، محمد جواد. بی‌جا: مجمع علمی اسلامی.
 ۱۶. قاضی مرعشی، نورالله (۱۴۰۹). احقاقی الحق و ازهائی الباطل. مقدمه و تعلیقات از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
 ۱۷. کتاب مقدس (۱۳۹۵). مترجم: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم. قم: موسسه فرهنگی طه، کتاب طه.
 ۱۸. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). مهدویت پیش از ظهور. قم: دفتر نشر معارف.
 ۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآة العقول. محقق: رسولی، سید هاشم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۲. مهدی‌پور، علی اکبر (۱۳۸۴). او خواهد آمد. قم: رسالت.
 ۲۳. مهدی‌پور، علی اکبر (۱۳۸۸). پژوهش مهدوی. قم: رسالت.
 ۲۴. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبه للنعمانی. تهران: نشر صدوق.
 ۲۵. هاشمی شهیدی، اسدالله (۱۳۸۷). ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان. قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۲۶. یدالله‌پور، محمد هادی، خرمی، مرتضی، و حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۳). موعودگرایی در قرآن و عهدین. نشریه سراج منیر، ۱۴ (۵)، ۶۶-۳۵.